

IN SAFE

323

Case No. 382Date of filing: 5 Nov 85

\*\* AWARD - Type of Award \_\_\_\_\_  
 - Date of Award \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Far

\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Far

\*\* CONCURRING OPINION of \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Far

\*\* SEPARATE OPINION of \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Far

\*\* DISSENTING OPINION of Mr. Mask to Decision  
 - Date 19 Dec 83  
 \_\_\_\_\_ pages in English 6 pages in Far

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Far

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

DISSENT TO DECISION

۱۹ دسامبر ۱۹۸۳ برابر با ۲۸ ذرما ۱۳۶۴

DECISION NO. DEC 27-382-3

Case No. 382

Chamber Three

English version  
Filed on 19 DEC 83نخسته انگلیسی درنامه  
ثبت شده است.DUPLICATE  
ORIGINAL

«نسخه برابر اصل»

پرونده شماره ۳۸۲

شعبه سه

بهرینگ اینترنشنال، اینکورپوریتد،  
خواهان،

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داوری دعوی ایران - ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date	5 NOV 1985
	تاریخ ۱۴ / ۱ / ۱۳۶۴
No.	382
شماره	

- و -

نیروی هوائی جمهوری اسلامی ایران،  
صنایع هوایی ایران، و  
دولت جمهوری اسلامی ایران،  
خواندگان.

## نظر مخالف با تصمیم متعدد

## Dissent to Decision

دیوان داوری با انتصاب کارشناس در مورد این پرونده، صرف "موجباتی را فراهم آورده که به یک طرف دعوی جهت تهیه مدارکی در تائید ادعاهای بی اساس مساعد نماید. منظور از نصب کارشناس اینست که دیوان داوری از حاصل کار وی استفاده کند. با انتصاب کارشناس در این مرحله از رسیدگی، دیوان در حقیقت به یکی از طرفین دعوی مساعد نماید که به شیوه‌ای "ناصواب" مدرک تهیه کند. در این پرونده، وکلای در ایالات متحده نمایندگی خواندگان را به عهده دارند. بنابراین خواندگان به موال خود در ایالات متحده و اطلاعات مربوط دسترسی دارند. نشانه‌ای دال برای نکه طرفهای آمریکائی

نیز از فرستهای مشابهی در ایران برخوردار باشد وجود ندارد. در حقیقت، مدارکی که توسط طرفهای آمریکائی در بسیاری از پروندها ارائه گردیده نشان می‌دهد که آنان نتوانسته‌اند سوابق، اموال و اطلاعات مربوط موجود در ایران را تحصیل نمایند. دیوان داوری، برای کمک به طرفهای آمریکائی جهت تهیه مدارکی که در وضع پرونده‌های موجود در دیوان مفید باشند ندرت قدمی برداشته است.

در پرونده حاضر، ادعای خواهان، بھرینگ اینترنشنال اینکورپوریتد ("بھرینگ") این بود که بدون دریافت حق الزحمه مقرر، کالاهای متعلق به نیروی هوائی ایران ("نیروی هوائی") را نگاهداری کرده است. تعهداتی که بھرینگ "محتملاً" در مورد اموال نیروی هوائی داشته، نه تنها احراز که حتی بطور مشخص ابراز هم نشده است، و تحت این اوضاع و احوال ثابت شده که بفرض که هریک از اموال آسیبی نیز دیده باشد، بھرینگ در برابر نیروی هوائی قانوناً "متعهد باشد. بعلاوه، ادعای بھرینگ مبنی بر عدم پرداخت‌هزینه‌های انبارداری به مسئله مسئولیت بھرینگ در رابطه با کالاهای مورد بحث مربوط است.

طرفین موافقت نامه‌ای را که فیما بین آنها منعقد شده و مسائل گوناگونی، از جمله تعیین تکلیف اموال مورد بحث را حل کرده و متنضم شرایط مفصلی درباره کالاهای یادشده است، به دیوان داوری تسلیم کرده‌اند. موافقت‌نامه مذبور، فایده‌ای را که اکنون نیروی هوائی از تصمیم دیوان کسب می‌کند، بدان نمی‌دهد. بنابراین، دیوان داوری، به یکی از طرفین امتیازی می‌دهد که آن طرف نتوانسته است چنین امتیازی را با چانه زدن برسر موافقت نامه بdest آورد.

دیوان داوری با انتساب کارشناس، چند شرط اولیه را نادیده می‌گیرد.

نیروی هوایی که بهرینگ اجازه دسترسی به کالاها را به او داده است، برای تا مین کارشناس، دست کم می باشد علی الظاهر چند نکته را به شرح زیر به ثبوت رساند: اول اینکه مشکلاتی در مورد کالاها وجود دارد، دوم اینکه بهرینگ مسبب این مشکلات است، سوم اینکه بهرینگ قانوناً "مسئول این مشکلات است". (۱) چهارم اینکه دیوان داوری صلاحیت رسیدگی به دعاوی را دارد، پنجم اینکه برسر واقعیتی در پرونده، اختلافی وجود دارد، وبالاخره اینکه، استفاده از یک یا چند کارشناس می تواند حل و فصل اختلاف بروان واقعیت را تسهیل نماید. در مرحله بعدی، نیروی هوایی باید دقیقاً "مشخص می نمود که چه نوع کارشناسی مورد نیاز است و وظیفه کارشناس چیست و بالاخره، باید به طرفین فرمت داده می شد که در مورد کارشناس یا کارشناسانی که قرار است منصوب گردند به توافق برسند.

دیوان داوری به آسانی از طرح این شرایط واضح اولیه طفره می دود. در واقع، دیوان داوری تسهیلات و امکانات خود را بدکار می گیرد تا به نیروی هوایی مدد کند که بر کالاهای خود وضع ید نموده و از آنها صورت برداری کند، حال آنکه نیروی هوایی بدون کمک "کارشناس" هم به این کار قادر است، و بعلاوه، واقعیاتی را دریافت و کشف کند که نیروی هوایی بتواند بر اساس آنها ادعائی را استوار نماید.

در پرونده مهمی که در دیوان داوری مطرح بود، ایران درخواست مربوط به ارائه اطلاعاتی را که ایالات متحده بدان دسترسی نداشت به این دلیل رد کرد که موضع ایالات متحده بر حدس و گمان مبتنی بوده است. رجوع شود به: لایحه دفاعیه ایران نسبت به ادعای متقابل ایالات متحده در پرونده شماره ب-۱-۱ ایران در پرونده مذکور چنین استدلال کرد که قبل از صدور هرگونه قرار موقتی

---

(۱) ایران در پرونده های دیگر ادعای کرده که دولت ایالات متحده از صدور کالاها ممانعت بعمل آورده است. اگر این ادعا صحیح باشد، کالاها اعمان آسیب دیده یا سالم نمی باشد به دست ایران رسیده باشد.

لازم است که طرفی که طالب قرار است علی الظاهر، بداعیت "دعوائی ارائه کند. تا بحال دیوان عمومی از قبول درخواست ایالات متعدد جهت صدور قرار موقت یا از قبول درخواست ارائه اطلاعات امتناع ورزیده است. در پرونده حاضر، از آنجاکه نیروی هوائی به کالاهای دسترسی دارد، می‌تواند اطلاعات مورد نظر را تحصیل نماید. معهذا، دیوان داوری با تصمیمی که در مرور داین پرونده اتخاذ نموده، باعث شده است کارشناس منصوب دیوان داوری در صورت برداشی و ارزشیابی تجهیزات به نیروی هوائی کمک کند. دیوان داوری درجهت هماهنگی بین این تصمیم با تصمیم دیوان عمومی در پرونده ب-۱ و یا با موارد دیگری که دیوان آنطور که باید موجبات تامین دلیل را فراهم نکرده، قدمی بر نمی‌دارد.

این واقعیت که دیوان داوری قادر نیست دقیقاً "نوع کارشناس یا کارشناسان مورد نیاز را تعیین و تخصیص مورد نظر را مشخص کند، کاستی‌های تصمیم دیوان را دو چندان آشکار می‌کند. بعبارت دیگر، شرح وظایف تعیین شده برای کارشناسان، بیش از آنچه که باید، نامحدود است.

در واقع، جای سؤال است که کارشناس منصوب چگونه می‌تواند منشاء و زمان بروز هر نوع آسیب‌دیدگی را تعیین کند، یعنی مشخص نماید که کالاهای کام حمل برای بهرینگ معیوب بوده یا اینکه قبل از ۱۹ زانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) آسیب‌دیده یا اینکه نقی بعد از تاریخ مزبور ایجاد شده است. دیوان قبل از اینکه کارشناسی را منصوب کند، باید معین نماید که وظیفه‌ای

---

(۲) طبق بند ۱ ماده دو بیانیه حل وفصل ادعاهای دیوان جهت رسیدگی به ادعاهایی که در تاریخ ۱۹ زانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) یعنی تاریخ بیانیه‌های الجزایر، پا بر جا نبوده‌اند، صلاحیت ندارد. بهرینگ خاطرنشان ساخته است که چون اجناس مت加وز از چهارسال در انباربوده، کاملاً "ا" مکان دارد که ارزش یا کیفیت آنها نقمان یافته باشد. لیکن بهرینگ اظهار می‌دارد که مجبور بوده این اجناس را بدون دریافت حق انبارداری در قسمت اعظم مدت مزبور نگهداری کند و علیهذا هیچگونه مسئولیتی با بت‌چنین نقصانی ندارد.

که بر عهده کارشناس می گذارد ، امکان پذیره است یا خیر<sup>(۳)</sup> دیوان کارشناسی انتخاب کرده که تبعه سوئد است و حداقل اطلاعات را درباره خود را اینهاده است. قرینه‌ای در مورد مدارج دانشگاهی که احیاناً "دارد، یا ماهیت تجربیات شغلی گذشته وی وجود ندارد. درواقع وی اظهار می دارد که لازم است شخصی دیگری که اطلاعات فنی بیشتری دارد، استخدام شود . ما واقعاً هیچگونه اطلاعی در مورد شخص دیگری که کارشناس قصد دارد استخدا مکننداریم. طرفین هیچگونه سهم و دخلتی در انتخاب "کارشناس" نداشته‌اند.

دیوان داوری مقرر داشته است که کارشناس حق دارد بدون هیچ محدودیتی، اسنادی را که "ضروری تشخیص می دهد" از طرفین دریافت کند. استنباط من اینست که این شرط ، درخواست اسنادی را که جنبه محترمانه و انحصاری دارند یا درخواستهای شاق و طاقت‌فرسا را مجاز نمی‌شمارد. <sup>(۴)</sup> متابعت از تضمیم دیوان ممکن است متضمن هزینه‌هایی برای خواهان باشد ، لکن دیوان داوری در مورد تعیین ماهیت و میزان این هزینه‌ها و مسئولیت‌نهایی درقبال آنها اقدامی نکرده است . مضافاً ، رقم ۳۰،۰۰۰ دلاری که دیوان بعنوان پیش پرداخت هزینه تعیین کرده بر پایه هیچگونه اطلاعات یا تحقیقاتی استوار نبوده است .

خلاصه اینکه ، تعیین کارشناس عجولانه صورت گرفته ، و وظیفه‌ای که به کارشناس تفویض شده بیمورد بوده ، شرایط انتصاب و نوع تخصص مورد نیاز بیش از آنچه که باید ، نامحدود است ، درروش انتخاب کارشناس جای بحث وجود دارد و تضمیم دیوان بطور غیر ضروری و برخلاف مفاد ماده ۱۵ قواعد دیوان

---

(۳) وجود یا عدم وجود مسائل امنیتی که تائید ملاحت امنیتی از طرف آمریکا برای کارشناس منتصب را ایجاب نماید ، مشخص نشده است .

(۴) هرگونه اختلافی بین کارشناس و یکی از طرفین دعوی در مورد تهیه مدارک باید به دیوان داوری ارجاع شود. بند ۲ ماده ۲۷ قواعد دیوان.

- ٤ -

دائر براینکه با طرفین باید به مساوات رفتار شود، بهیکی از طرفها  
مساعدت نماید. از اینرو، من با این تصمیم مخالفم.

لاهه ، ۱۹ دسامبر ۱۹۸۳ برابر با ۲۸ ذرماه ۱۳۶۲

Richard M. Voss

ریچارد ماسک

ج.ح/ک.ف